روزنامه صبح ایران
آرمان ملی
شماره ۲۰۳۹
سال هشتم
چهارشنبه
۱۴۰۳ • ۱۱ • ۱۷
۶ شعبان ۱۴۴۶/ ۵ فوریه ۲۰۲۵
اذان ظهر ۱۲:۱۸ اذان مغرب ۱۷:۵۴
اذان صبح (فردا) ۰۵:۳۶ طلوع آفتاب (فردا) ۰۷:۰۱

صاحب امتیاز و مدیرمسئول: نیوه طاهری نیک
زیر نظر شورای سردبیری
نشانی: تهران، چهاره راه یوسف‌آباد، خیابان فتحی شقاقی به‌سمت ولیعصر پلاک ۱۸، ساختمان آفتاب، واحد ۱
تلفن: ۰۲۱۸۸۱۰۵۰۰۷ دورنگار: ۰۲۱۸۸۱۰۵۳۴۱ آگهی ها: ۰۲۱۸۸۱۰۴۶۵۷
چاپ: همشهری «۲» تلفن: ۶۶۲۸۳۲۴۲
توزیع تهران و شهرستان: نشر گستر امروز ۶۱۹۳۳۳۳۳

نشانی اینترنتی: www.armanmeli.ir
آیین نامه اخلاق حرفه ای
روزنامه آرمان ملی را
در سایت بخوانید

غیر محرمانه

دشمن پزشکیان در وزارت نفت؟

سیدعلی ادیانی راد نماینده اسبق قائمشهر از نظر سیاسی با جبهه پایداری همسو است. ادیانی‌راد که به تازگی عضو هیات رئیسه صندوق‌های بازنشستگی صنعت نفت شده، در جریان انتخابات ریاست جمهوری با حملات شدید به پزشکیان، از سعید جلیلی یک قهرمان می‌ساخت و معتقد بود پزشکیان قرآن و نهج البلاغه را غلط می‌خواند! مشخص نیست چرا چنین حکمی برای ادیانی‌راد صادر شده است اما هر چه هست، یکی از دشمنان قسم خورده پزشکیان این روزها قرار است برای بازنشستگان صنعت نفت تصمیم‌گیری کند تا جبهه پایداری، سهم بزرگی از نفت داشته باشد.

فرمان اجرایی ترامپ درباره ایران

رویترز از قول یک مقام آمریکایی خبر داد: انتظار می‌رود ترامپ یک فرمان اجرایی امضا کند که فشار حداکثری علیه ایران را بازمی‌گرداند. دستور ترامپ درباره ایران وزیر خزانه‌داری آمریکا را موظف می‌کند که فشار اقتصادی حداکثری را بر ایران اعمال کند، از جمله تحریم‌ها و سازوکارهای اجرایی علیه کسانی که تحریم‌های موجود را نقض می‌کنند. در حالی که گمانه‌زنی تحلیلگران بر تلاش دو کشور برای کاستن از تنش‌هاست، روشن نیست چنین خبرهایی چرا منتشر می‌شود؟

آلودگی هوا و تجمع قانونی اراکی‌ها

از همان روزی که سوختن مازوت در نیروگاه‌ها به عرصه عمومی کشیده شد، اراک یکی از شهرهایی بود که بیش‌ترین درگیری را با آلودگی هوای ناشی از سوخت مازوت داشت. اکنون خبر رسیده که شهروندان اراکی به این موضوع واکنش نشان داده و خواستار عدم سوزاندن مازوت در نیروگاه شازند شده‌اند. این تجمع برای اولین‌بار مجوز قانونی داشت. معترضان با شعارهایی مانند «اراک رو به زواله، مجلس چه بی‌خیاله» و «وزیر نفت و نیرو استعفا استعفا» نسبت به آلودگی هوای شهر اراک اعتراض کردند.

جایی بین چکش و سندان!

دست دادن دو هنرمند مسن موجی از واکنش‌ها را پدید آورده و صحبت از پرونده قضائی هم درمیان است. یک روزنامه‌نگار و تحلیلگر نوشت: خدای من! چه خبر است؟ احمد زیدآبادی در ادامه آورده است: پیرمردی ۸۰ ساله با خانمی ۷۳ ساله دست داده و شوخی کرده و این شده است مسئلهٔ اول کشوری که در کاخ سفید مشغول رایزنی برای چگونگی مقابله با آن هستند! نسبت «فحشا» به دو هنرمند پا به سن گذاشته به دلیل دست دادن همانا که دود از کلهٔ آدمیزاد بلند می‌کند! زیدآبادی در انتها نوشت: پاستور دیگر شبیه جایی بین چکش و سندان است. هر کس داوطلب نشستن در آنجاست باید دو دستی تقدیمش کرد!

در روزهای دهه فجر، برج آزادی رنگ و جلای دیگری می‌گیرد

عکسنامه

دریچه

پای «پایتخت ۷» به جشنواره فیلم فجر باز شد

حضور یکی از بازیگران «پایتخت» در جشنواره فیلم فجر، پای این سریال را به این رویداد سینمایی هم باز کرد. هومن حاجی عبداللهی که در جشنواره فیلم فجر با سینمایی «شمال از جنوب غربی» حضور دارد، در نشست خبری این فیلم که در کاخ جشنواره برگزار شد، با پرسشی درباره سریال «پایتخت» مواجه شد که تاکید کرد، فیلمبرداری تمام شده و امسال «پایتخت» متفاوتی را با تمام شخصیت‌های قبل شاهد خواهید بود. سریال «پایتخت ۷» محصول جدید سیمافیلم است که از مردادماه در شیرگاه مقابل دوربین رفت و ضبط سکانس‌های پایانی‌اش مدتی است در مشهد به پایان رسیده است. سیمافیلم هم اعلام کرد که ساخت این سریال در مشهد به اتمام رسیده است. علاوه بر سیروس مقدم و الهام غفوری که کارگردان و تهیه‌کننده این مجموعه هستند، تمام شخصیت‌های معروف «پایتخت» در این سری حضور دارند. عنوان شده است اضافه شدن چند شخصیت جدید، «پایتخت ۷» را وارد ماجراهای متفاوتی خواهد کرد. «پایتخت ۷» به مناسبت ماه رمضان و نوروز ۱۴۰۴ در ۲۶ قسمت از شبکه یک سیما پخش خواهد شد. بدنه ساخت «پایتخت ۷» را همان گروه قبلی تشکیل می‌دهند؛ همچون سری‌های گذشته کارگردانی‌اش با سیروس مقدم است و نویسندگی را هم محسن تنابنده عهده‌دار شده است.

جشنواره

بهرام کلهرنیا:

ایده «جایزه‌بگیری» را حذف کردیم

نشست هفدهمین جشنواره هنرهای تجسمی فجر با تاکید بر غیررقابتی بودن این دوره از جشنواره در موزه هنرهای معاصر تهران برگزار شد. بهرام کلهرنیا در ابتدای این نشست در سخنانی مطرح کرد: این جشنواره به لحاظ ساختاری، شیوه عملی و نوع تفکر تفاوت‌های آشکاری را با دوره‌های قبلی دارد که باعث می‌شود، بتوانیم مدعی شویم که کار جدیدی کرده‌ایم. این تحول و تغییر ناشی از نگاه نویی است که در جامعه شکل گرفته ولی نفی‌کننده نگاه جشنواره‌های قبلی نیست. در دوره‌های قبلی دوستان بسیار زحمت کشیدند ولی این در دوره هدف‌ها عوض شده است. او ادامه داد: با رای و نظر شورای سیاست‌گذاری نخستین ایده این بود که جشنواره را از تمرکز در یک نگاه و مکان خاص تغییر دهیم. با توجه به شرایط اجتماعی و چشم‌انداز کنونی و پیشینه جمعیتی کشور، جوان‌گرایی را مورد توجه قرار دادیم؛ چراکه سرنوشت مملکت در دست جوانان است و آنها باید حضور یابند. همین امر باعث شد تولید محتوای فراخوان را ایجاد و ایده جایزه‌بگیری را حذف کنیم! مسئله مبارزه و رقابت برای پیروزشدن معمولا به سیستم‌های نظامی تعلق داشته و ایده خوبی مثلا در بین ورزشکاران است. هنرمند نمی‌تواند در کشمکش با دیگری قرار بگیرد، این امر جایی معنا پیدا می‌کند که خرید و فروش جریان دارد، مثلا در صنایع هنری که قصد فروش دارند، معنی دارد. اما در این رویداد صلح، هم‌گویی و هم‌اندیشی را می‌خواهیم رواج دهیم. کلهرنیا تصریح کرد: این جشنواره مثلث فرضی مردم، هنرمند و مدیران نظام‌های سیاست‌گذار و برنامه‌ریز اجرایی را تجسم کرده است که باید در کنار هم باشند. ما باید به میان مردم برویم و به مهربانی نیاز داریم. ما باید جشن را به میان مردم ببریم؛ بنابراین افق و چشم‌انداز را این‌گونه دیدیم تا هر جا که می‌توانیم جشن را میان مردم ببریم و معنای اجتماعی مردمی را توسعه دهیم. ما می‌کوشیم جوانی، تجربه‌گرایی و کوشش برای پیاده کردن خلاقیت‌های نو را در جشنواره پیاده کنیم. این ایده سبب می‌شود که مفاهیم هنر فاخر کمتر در جشنواره بروز کند ولی این ضعف جشنواره نیست؛ چون می‌کوشیم که استعدادهای جوان و پرقابلیت را معرفی کنیم و بالا ببریم و موقعیت پشتیبانی و تحقق آرزوهای خود را فراهم کنیم. در این جشنواره استعدادیابی می‌کنیم و پشتیبانی برای بیان ایده و نظرات را خواهیم داشت؛ درحقیقت جشنی پر از رفعت، ایثار و مهربانی را خواهیم داشت. او در توضیح بیشتر درباره علت رقابتی نبودن این دوره گفت: احساس می‌کنم بیش از ۱۰۰۰ سال کار معلمی کردم و آخر ترم همه از من نمره می‌خواستند و گویی که صرفا نمره‌گرفتن کافی است. من از این روند خسته شدم و فکر کردم که بهتر است سنجه‌های دیگری را باید برای ارزیابی در نظر بگیریم؛ به هر حال مسابقات در ایران به گونه‌ای است که گویا می‌خواهند برای برنده‌شدن گردن هم را بشکنند. مساله محدودیت زمان نبوده است بلکه فشاری بوده که بر گردن ما بوده است. ما در انجام کار در کوتاه‌ترین زمان ممکن رکورد زدیم. او ادامه داد: تا اینجای کار، جشنواره کار و زندگی شخصی من را متلاشی کرده است. من حق دارم که درباره حقوق شخصی خودم گفت‌وگو کنم اما با این حال با حضور در این رویداد متوجه شدم که فرصتی داریم تا متفاوت فکر کنیم و به عنوان نمایندگان مردم از آرزوهای آنها حرف بزنیم. وقتی از استعدادیابی حرف می‌زنیم؛ یعنی زمینه آن فراهم باشد. دانش‌آموزان و دانشجویان که فارغ‌التحصیل می‌شوند، در جامعه رها می‌شوند ولی جشنواره می‌تواند به کمک آنها برود. حال امیدوارم بتوانیم برای نخستین بار آکادمی جشنواره فجر را تشکیل دهیم. این حرف بار مسئولیت بالایی دارد ولی اگر ممکن شود، آکادمی کل سال بیدار خواهد بود و استعدادهای جوان را رصد خواهد کرد. دبیر جشنواره در بخش دیگری از سخنانش اظهار کرد: جشنواره تجسمی فجر نسبت به سایر بخش‌ها تهی‌دست است. روز اول گفتم به شرطی این مسئولیت را می‌پذیرم که تشکل‌ها و انجمن‌ها کنار جشنواره باشند؛ چون معتقدم آنها هستند که به مسائل جشنواره آگاه هستند. همان ابتدا فهمیدم که آنها رنجشی به جشنواره تجسمی دارد و در سال‌های گذشته نگاه حکومتی به آن شکل گرفته است؛ زیرا به این فکر نکردند که جریان اقتصادی با حضور هنرمندان سرشناس در جشنواره فجر می‌تواند شکل بگیرد. در این دوره کوشیدیم برای این امر راه حل بیابیم. وی افزود: طبیعی است که توان ما محدود است و گروهی پذیرفتند، گروهی به من اعتراض کردند و گروهی نپذیرفتند. اینجا فرصتی است برای گفت‌وگو و همه حق دارند اعتراض و حرف خود را بیان کنند. جشنواره تجسمی فجر مثل یک بچه ناخواسته است و در بین هنرمندان جا نیفتاده است. ما می‌کوشیم که کاخ هنرهای تجسمی شکل بگیرد. ما از آقای صالحی و دکتر پزشکیان می‌خواهیم که زمینی به نام جشن فجر برای حضور انجمن‌ها و تشکل‌ها پیش‌بینی شود و در اختیار مجموعه قرار بگیرد. طبیعی است که آنجا آن مرکز آکادمی خواهد شد که عرض کردم. ما آنقدر پرسش داریم و پاسخ نداده شده که نمی‌توانید تصور کنید. من یک نفر هستم و نماینده کسی نیستم. افراد زیادی هستند که حرفی برای گفتن دارند و خودشان باید فرصت بروز داشته باشند و برای دگرگونی و پیشرفت پرسش کنند.

گزارش

امیرحسین ثقفی:

از فیلم اولم تا الان به دنبال پیام نبودم

نشست خبری فیلم سینمایی «دست تنها» ۱۶ بهمن در سینمای رسانه چهل‌وسومین جشنواره فیلم فجر برگزار شد. علی‌اکبر ثقفی مجری طرح و تهیه‌کننده اثر در ابتدای این نشست اظهار کرد: این فیلم در ژانر فیلم‌های امیر ثقفی بود، وقتی فیلمنامه را نوشت دیدیم که به فضای کارهای قبلی‌اش نزدیک است و تصمیم گرفتیم اثر را تولید کنیم. علی اوجی نیز اظهار کرد: قبلا در مقام بازیگر با آقای امیرحسین ثقفی کار کرده بودم و به شدت از این همکاری لذت برده بودم و در ذهنم بود که به عنوان تهیه‌کننده با ایشان کار کنم. دست‌نوشت دست‌تنها به من پیشنهاد شد و در جریان بودم که آقای مجید مظفری مدتهاست ریشش را نگه داشته و گریمش را آماده کرده است و تصمیم گرفتم این کار را تهیه کنم. آقای ثقفی مثل گنگسترها کار می‌کند و به شدت عاشق سینماست. امیرحسین ثقفی نیز گفت: حدود یکسال و نیم پیش با آقای مجید مظفری و آقای اوجی فیلمنامه را خواندیم و بعد تصمیم به ساخت گرفتیم. سینمای من سینمای لو باجت است و روی انگیزه‌ها کار می‌کنم و نمونه‌اش بازیگران این فیلم هستند که باید بگویم گروهی دلی بود که با عشق کار کردند. مجید مظفری نیز اظهار کرد: خانواده ثقفی را از سی و چند سال پیش می‌شناسم، امیرحسین در سینما به دنیا آمد و بچه سینماست. یک روزی پدرشان من را دعوت کردند و فیلمنامه‌ای به من دادند به نام کوچه ژاپنی‌ها، وقتی ببینم در سناریو نقش اشتباه به من پیشنهاد داده شده آن را رد می‌کنم و وقتی این فیلمنامه را خواندم دیدم که چقدر این فیلمنامه به خلق و خوی من نزدیک است. کوچه ژاپنی‌ها را کار کردیم و در میانه کار آقای ثقفی کبوترکشی را به من پیشنهاد دادند و من این نقش را پسندیدم و از همان ابتدا کنار این تیم ماندم. من حدود یک سال ریش و مویم را نزدم و چند کیلو چاق شدم، چند کار را دلی رد کردم تا این کار ساخته شد و حالا در جشنواره است. امیرحسین ثقفی در بخش دیگر این نشست بیان کرد: از همان فیلم اول تا الان به دنبال پیام نبودم، سینما برای من جوششی است تا کوششی و مثل شعر می‌ماند. آنچه که برایم مهم بود این بود که دو آدم کف خیابان برای دیگری به کمک بیایند. سجاد آذری‌نیا طراح چهره نیز گفت: فضای ذهنی کارگردان اینگونه بود که دست عوامل را باز می‌گذاشتند و آن جمع صمیمی و قابل احترام باعث شد که در خلق کردن شخصیت‌ها به نتایج ایده‌آل برسیم. خلق کاراکتر شکیب خیلی با ریسک بود و تراشیدن موی شکیب شجره یکی از همین ریسک‌ها بود و آقای مظفری هم خیلی به ما کمک کردند که آن شخصیت در فیلم در بیاید. نرگس محمدی به عنوان دیگر بازیگر این فیلم بیان داشت: من همه کارهای آقای ثقفی را دنبال کردم و خودشان هم واقعا انسانی دقیق و آدم حسابی هستند و فکر میکنم قبل از علی اوجی سناریو را خواندم و نمی‌دانم به واسطه آقای اوجی در این فیلم هستم یا خیر. اوجی نیز تاکید کرد: من پارسال فیلم آقای کلاری را داشتم و من اصلا نرگس محمدی را به آقای کلاری پیشنهاد ندادم، یا فیلم بی‌مادر و دیگر فیلمها هم که ساخته‌ام خانم محمدی را پیشنهاد ندادم ولی اگر کارگردانی پیشنهاد بدهد با افتخار می‌پذیرم چون ایشان بازیگر خوبی است و برای دستمزد هم راحت می‌توان چانه‌زنی کرد. مظفری نیز در تایید اظهارات اوجی تاکید کرد: تا جایی که من امیرحسین ثقفی را می‌شناسم هیچ چیز نمی‌تواند به او تحمیل شود. شکیب شجره نیز درباره ایفای نقش در این فیلم گفت: علی اوجی با من تماس گرفت و گفت امیرحسین ثقفی می‌خواهد فیلمی بسازد و من خوشحال شدم چون کارهای او را دوست دارم. وقتی امیر ثقفی فیلمنامه و کاراکتر را به من گفتند قلاب من به این کاراکتر گیر کرد. جلسه‌ای با او گذاشتم و تمام خصوصیات مدنظر او برای کاراکتر را نوشتم. من خودم را فدای نقش می‌کنم و قاتلم نقش‌هایم هستند و سعی میکنم کاراکتر در من بدمد نه برعکس. روی این کاراکتر کار کردم و از درون کاراکتر این را به من گفت که برو با گاری در بازار کار کن و من با گاری از ساعت ۵ و ۶ صبح به بازار رفتم و با کاراکتر زندگی کردم و وزنم هم حدود ۱۲ کیلو کم شد. امیرحسین ثقفی درباره سکانسی از فیلم که در آن جنازه چند سگ دیده می‌شود، افزود: همه این سگ‌ها مرده بودند، ما آنها را از کهریزک گرفتیم و محل دفنشان هم آنجا بود.

اینفوگرافیک

منبع: ایرنا